

پاسخ به حملات خصمانه رویونیستهای دون صفت «سازمان انقلابی» (بخش دوم)

«سازمان انقلابی افغانستان- سا» دربخش(5) نوشته اش مدعی شده است که: "مخرج مشترک سازمان کارگران افغانستان، شورش و پولاد" اعتراض به همکاری مابا"پورتال افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" است".

گردانندگان «سا» در این مورد ادعای بی بنیاد و مضحکی رامطرح کرده اند. درحالیکه ما درابتدا همکاری آنها را با سایت «افغانستان- آزاد» به این دلیل مورد نقد قرار دادیم که آنها خود را یک تشکل "انقلابی" (م-ل-ا) معرفی کرده و مدعی شده بودند که از رویونیسم "سه جهانی" و تسلیم طلبی "سازمان رهائی" گسست کرده و گذشته ای انحرافی خود را هرچه بیشتر نقد خواهند کرد. اما با ملاحظه ای چگونگی برخورد به گذشته سیاسی و نظرات و مواضع کنونی شان، در نظر و عمل ثابت شد که آنها به همان راه سابق شان (که طی سی و پنج سال گذشته رفته بودند)، روان هستند. و دیگر برای ما تردیدی باقی نماند که همکاری آنها با سایت "افغانستان آزاد" و هم فکری آنها باموسوی و همپاله هایش هم بر اساس خط ایدئولوژیک- سیاسی انحرافی (رویونیستی و اپورتونیستی) شان صورت می گیرد. از اینها سؤال می نمایم که آیا همکاری با موسوی و میرویس محمودی این فحاشیهای توطئه گرو جاسوس را چه نام می گذارید؟ و نیز همکاری با سایت "افغانستان- آزاد" که از طریق آن برجنبش انقلابی پرولتاری (م-ل-م) حملات خصمانه صورت می گیرد و میرویس محمودی از این طریق نام و هویت مرا به استخبارات امپریالیستی و ارتجاعی معرفی کرده و شنیع ترین و غیر انسانی ترین فحاشیها را بر من حواله می نمایند. آیا این عمل وی خیانت نیست؟ بدون شک که خیانت است. آیا همکاری با چنین "وبسایت" ای که وسیله ای جاسوسی و فحاشی علیه فعالین جنبش انقلابی پرولتاری و توطئه گری و تخریبکاری علیه جنبش انقلابی پرولتاری، جز خیانت چیز دیگری می توان نام گذاشت؟! که هرگز نه! در نتیجه همینکه شما این جاسوسیها و فحاشیهای کوچک بازاری و توطئه گریها و جعلکاریها و ده ها نوع ناسزاگوئی را که توسط موسوی و میرویس محمودی این دو عنصر اپورتونیست و خاین و جاسوس و فاقد شرافت و اخلاق انسانی علیه من و دیگر فعالین جنبش انقلابی پرولتاری (م-ل-م) انجام می دهند، مورد تأیید قرار می دهید؛ صرف نظر از دیگر مواضع و نظرات رویونیستی و اپورتونیستی تان؛ همین همکاری و رفاقت شما با این دو عنصر جاسوس یک موضع اپورتونیستی است. زمانی "ساما" به دولت مزدور خلقی پرچمیها و سوسیال امپریالیستیهای روسی تسلیم شد و با پول و سلاح و همکاریهای استخباراتی خاد و (ک گ ب) علیه جبهات گروه های ارتجاعی اسلامی جنگید و توده های مردم را از سنگردولت مزدور و اشغالگران روسی بقتل رساند؛ آیا این عمل آنها ضدانقلابی و خیانت ملی و خیانت به خلق نبود؟ که حتماً بود! صرف نظر از منجلا ب رویونیسم "سازمان رهائی"؛ همینکه این سازمان در کنفرانس "بن" شرکت کرد و به پای معاهده وطن فروشانه و ننگین "بن" امضاء کرد و اشغال نظامی و تسلط استعماری کشور را توسط امپریالیستیهای امریکائی و ناتو مورد تأیید قرارداد و با دولت دست نشانده همکاری نمود، که خیانت آشکار به خلق و میهن محسوب می شود. وقتی ما این انحرافات را نقد کردیم؛ مورد حملات اپورتونیستی و خاینانه "ساما- ادامه دهندگان" و "سازمان انقلابی" قرار گرفتیم. و همین حملات خاینانه و فحاشیها و جاسوسیهای موسوی و میرویس محمودی از طریق وبسایت جاسوسی و فحاشی ("افغانستان- آزاد") هم مورد تأیید "سا" قرار دارد.

"سازمان انقلابی" می نویسد: "از همکاری ما با این پورتال خشم پولاد بر افروخته شده است".

"سا" می خواهد با نیرنگ بازی اپورتونیستی حقایق راتحریف کند و اذهان خوانندگان را از موضوع اصلی یعنی فحاشیها و جاسوسیهای موسوی و میرویس محمودی علیه من و دیگر فعالین جنبش انقلابی پرولتاری (م-ل-م) از طریق این "پورتال"، منحرف سازد. درحالیکه تا زمانی ماهیت اصلی سایت "افغانستان- آزاد" و همچنین ماهیت ایدئولوژیک - سیاسی مجریان آن خاصاً موسوی بر ملا نه شده بود؛ ما آنرا منحیث یک نشریه ای که در سطحی به پخش افکار آزادیخواهانه کمک می نماید، فکری کردیم

وچند نوشته هم به این "سایت" فرستادیم. زمانی درباره سابقه ضدانقلابی و خاینانه موسوی آگاهی حاصل کردیم و از طرف دیگر این سایت به تریبون ای برای حملات اپورتونیستی موسوی علیه (م-ل-م) مبدل شد، رابطه با موسوی و این "سایت" را قطع کردیم. بعداً توضیح مشخص شد که هدف اصلی مجریان این "سایت" نه "مبارزه ضدامپریالیستی" (چنانکه به ظاهر مدعی آن بودند) که تخریبکاری و توطئه گری و حملات خاینانه علیه جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) و فحاشی و جاسوسی علیه فعالین این جنبش بوده و ماهیتاً یک سایت ضدانقلابی و ضدکمونیستی است که به امپریالیسم و ارتجاع خدمت می کند. صرف نظر از دیگر مسایل سیاسی متصدیان این سایت؛ اینها حتی اخلاق انسانی را هم رعایت نکردند و به چنین "نوشته های" خاینانه و فحاشیهای لومپنانه و غیرانسانی، توطئه گری و جاسوسی از طریق این سایت اجازه ای ندادند. جریان نشان می دهد که متصدیان این سایت و دیگر شرکای رویزیونیست و اپورتونیست آنها ("ساما- ادامه دهندگان" و "سازمان انقلابی" و عناصری از "ساو-املا") پلان شده دو عنصر لومپن و اوباش را (که سابقه جاسوسی به رژیم مزدور خلقی پرچی ها و سوسیال امپریالیستهای روسی دارند و اکنون به امپریالیستهای غربی و ارتجاع مزدوران جاسوسی می کنند و فاقد اخلاق و شرافت انسانی هستند) به صحنه آورده تا علیه فعالین جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) فحاشی و جاسوسی کنند. ملاحظه می شود که وجه مشترک همه این گروه ها و افراد؛ ایده ها و افکار ارتجاعی و ضدانقلابی و ضدکمونیستی آنهاست که هدف دارند تا جنبش انقلابی پرولتری را تخریب نمایند و از این طریق به امپریالیسم و ارتجاع بین المللی خدمت می کنند.

در صفحه دوم این بخش می خوانیم: "... بحث مهمتر اینست که چرا" ماتونیستها" و "عمدات ماتونیستها" و "پولاد" از همکاری ما با پورتال رنج می برند؟".

ذکر این عبارت هرچه بیشتر ساده انگاری و یا هم نیرنگبازی سیاسی گردانندگان "سا" را بنمایش می گذارد. در حالیکه مسئله اصلی در اینجا خط مشی نشراتی این "پورتال" و ماهیت ایدئولوژیک-سیاسی و عملکرد ارتجاعی و ضدانقلابی گردانندگان آن است که به تخریب و توطئه گری علیه جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) و جاسوسی و فحاشی علیه فعالین این جنبش ادامه می دهند و "سا" و "ساما-ادامه دهندگان" و عناصر اپورتونیست دیگری از این طریق توطئه های خاینانه شانرا علیه جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) به پیش می برند. و "سا" می خواهد با برخوردهای عامیانه و به شیوه های مکانیکی توجه افراد عامی را از اصل موضوع منحرف سازد.

"سا" به ادامه می نویسد: "اینکه این پورتال" سایت دوسره استخباراتی است و گردانندگان آن از پشت بر کمونیستها خنجر می زنند، نه ما چنین باوری نداریم. ما تلاش می کنیم تا حد توان این جبهه فرهنگی ضد استعمار و امپریالیسم و ضد دولت پوشالی و طالبان را تقویت کنیم".

آقایان! شما که این همه تخریبکاریها و توطئه گریها و خیانت و جاسوسی و فحاشیهای رذیلانه ای که در این سایت توسط عناصر جاسوس خادو جواسیس استخبارات امپریالیستی و ارتجاعی (موسوی و میرویس محمودی) علیه جنبش انقلابی پرولتری و فعالین آنرا در نظر نمی گیرید، این خود ثبوت دیگری بر این امر است که نه تنها آنها را تائید می کنید که جویانان در عقب این توطئه های خاینانه و جاسوسی نیز قرار دارید. این موضع تان یک بار دیگر ماهیت خط ایدئولوژیک-سیاسی رویزیونیستی و اپورتونیستی و تسلیم طلبانه و شارلتان مآبی شمارا با ثبات می رساند. وبی شرمانه به لنین بزرگ متوسل می شوید و در سایت "افغانستان - آزاد" (این گند ارتجاع و ضدانقلاب و مرکز جاسوسی) در جستجوی "متفقین" تان هستید. همین نظر شما تحریف گفته های لنین است که هر اپورتونیست و رویزیونیستی آنرا انجام می دهد.

"سا" به ادامه می نویسد: "در این پورتال با نام مبارزینی برمی خوریم که هم سالهای سال به خاطر آزادی انسان رزمیده اند، زندان دیده اند، شکنجه شده اند، زخم برداشته اند و اکنون هم با صدای رسا علیه اشغال می نویسند و فریاد می زنند. و.... مسروریم که ایشان را به حیث هواداران در کنار خود داریم".

این مسئله مبرهن است که همه رویزیونیستها و اپورتونیستها به پدیده ها و قضایا بر اساس جهان بینی شان نگریسته و آنها را بر همین مبنا مورد تحلیل و ارزیابی قرار می دهند. این نظر "سا" درباره پورتال "افغانستان آزاد" (بخوان تریبون جاسوسی و فحاشی) و ماهیت فکری و سیاسی مجریان آن خاصاً

موسوی، ماهیت خط ایدئولوژیک- سیاسی «مبارزین» هوادارش را هم معرفی می نماید. "سا" در اینجا خصوصاً به عنصر (عناصر) معینی اشاره دارد که اضافه شدن همین قماش هواداران به صف "سا" امر عادی است. اینکه هر چه زودتر نقاب اپورتونیستی آن افتاد و چهره واقعی وی آشکار و مشخص گردید، امر خوبی است. زیرا انواع اپورتونیسم و رویزیونیسم در ماهیت از هم تفاوتی ندارند. این قماش عناصر هر قدر در لفظ کاذبانه و شیادانه فریاد «آزادی و استقلال» سر بدهند و ژستهای «ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی» بگیرند؛ اما بالاخره در جایگاه اصلی شان، یعنی منجلاب اپورتونیسم و خصومت ورزی و توطئه گری علیه جنبش انقلابی پرولتری و فعالین آن قرار می گیرند، که گرفتند. تشکیل همین جبهه ای ضدانقلابی کنونی که عناصری خاین و جاسوس (موسوی میرویس محمودی) را موظف ساخته است تا علیه جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) به سطح کوچه و بازار فحاشی کنند و بار بار نام و هویت و آدرس من را برای استخبارات امپریالیستی و ارتجاعی افشا کنند؛ خود ناشی از ماهیت رویزیونیستی اپورتونیستی اعضای این جبهه ضدانقلابی است. ملاحظه می شود که "سا" "ساما- ادامه دهندگان" و عناصر «ساو» نئی حس انتقام جوئی شدیدی نسبت به جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) داشته و دارند و اکنون عمق این خصومت ورزی و انتقام جوئی برملا شده است. آیا همین اعمال ارتجاعی و خاینانه ای این گروه ها خنجر زدن بر جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) از پشت نیست؟ که هست! این منتهای بی شرافتی و بی وجدانی افراد و گروه های است که در پاسخ به منتقدین و مخالفین سیاسی شان متوسل به حربه جاسوسی و فحاشی و توطئه گری و جعلکاری می شوند. و "سا" اکنون خود به آن اذعان می نماید. آیا از جاسوسی به امپریالیسم و ارتجاع خیانت بدتری هم هست؟ این کار از جمله وظایف عناصر ضدانقلابی خود فروخته و نوکر امپریالیسم و ارتجاع است. و میرویس محمودی این عنصر فرومایه عمل خاینانه جاسوسی را با افتخار انجام داده و آنرا انجام وظیفه "انقلابی" اش می داند و اپورتونیستها و رویزیونیستهای "سازمان انقلابی و" ساما- ادامه دهندگان "و عناصر اپورتونیست" ساو" نئی محرک و مشوق اصلی این عنصر حقیر و هرزه هستند. فحاشی و دشنامهای رکیک کار عناصر لومپن و اوباش و فرومایه و پست فطرت است که شخصیتی جریحه دار داشته و دچار بیماری روانی هستند و در سیاست کار افراد و گروه های ارتجاعی و ضدانقلابی و رشکسته است که برای ضربه زدن به منتقدین و یا مخالفین سیاسی شان به فحاشی و جاسوسی متوسل می شوند. صرف نظر از منجلاب رویزیونیسم و اپورتونیسم "سا" که چند دهه در آن غرق است؛ در همین بخش "نوشته" اش از یک طرف به دفاع از موسوی و وبسایت "افغانستان- آزاد" بر می خیزد و از طرف دیگر شیادانه سعی می کند تا رویزیونیسم و اپورتونیسم خود را با توسل به نقل و قولهای از لنین و مائوتسه دون پرده پوشی نماید. این همان رویزیونیسم مسلکی این آقایان است که شیادانه در لفظ صحبت از "انقلاب" دارند و عمل ضدانقلابی انجام می دهند.

ما در ابتدا تصویری کردیم که شاید "سا" از اجنزار رویزیونیسم "سه جهانی" گسست کرده و می خواهد در صف جنبش انقلابی پرولتری قرار گیرد! و تصویری کردیم که ممکن است اینها نسل جوانتر "سازمان رهائی" باشند که با استفاده از فضای نسبتاً باز انترنتی به آثار جنبش کمونیستی بین المللی و نشرات جنبش انقلابی پرولتری کشور دسترسی پیدا کرده و سطح آگاهی ایدئولوژیک- سیاسی آنها ارتقاء یافته و با درک حقایق بالاخره راه خود را از خط رویزیونیستی "سازمان رهائی" جدا کرده اند! زیرا بنابر اختناق و استبداد تشکیلاتی حاکم بر "سازمان رهائی" چنین امکانی برای اعضای آن میسر نبود. و ما هم تا مدتی به صلاح دیدیم تا انتظار بکشیم که اینها ممکن از گذشته ای رویزیونیستی شان گسست واقعی بنمایند. و این آرزوی نیکی بود از جانب ما برای "سا". ولی برعکس نه تنها اسناد سابقه "سا" که بلکه همین اراجیف نامه اخیر آنها زیر نام "دن کیشوت های «مائونیست»....." یک بار دیگر ثابت ساخت که اینها در همان نظر و موضع رویزیونیستی و اپورتونیستی شان قرار دارند و همان رویزیونیستهای کهنه کار مسلکی هستند که فقط با رهبری کنونی «سازمان رهائی» مشکل پیدا کرده اند؛ نه با خط رویزیونیستی و ضدانقلابی «سازمان رهائی». و کما فی السابق سرسختانه در همان موضع دشمنی با جنبش انقلابی (مارکسیستی- لنینیستی- مائونیستی) قرار دارند و مانند رویزیونیستهای چینی، رویزیونیستهای خروشچفی و دگمارویزیونیستهای خوجه ای تشنه بخون سازمانها و گروه های هستند که از دست آوردهای انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی دفاع نموده و "مائونیسم" را مرحله تکاملی (مارکسیسم-

لنینیسم) دانسته و علم انقلاب خود را (م-ل-م) پذیرفته اند. و اینکه این آقایان کوچکترین اعتراضی به اعمال خاینانه و ضدانقلابی موسوی و میرویس محمودی ندارند و سایت جاسوسی و ضدانقلابی و ضد کمونیستی "افغانستان- آزاد" را ارگانی می دانند که بقول آنها «مطمئن ترین و انقلابی ترین» هواداران شان در آن جمع شده اند؛ یک بار دیگر ماهیت رویزیونیسم "سه جهانی" شانرا برملا کردند. دیگر هیچ تردیدی باقی نمی ماند که اینها همان رویزیونیستهای "سازمان رهائی" هستند که رنگ و لعاب تازه بر رخسارشان مالیده اند و تلاش می کنند تا بزعم شان به نعش متعفن رویزیونیسم "سه جهانی" جان تازه به دمند که خواب است و خیال است و محال است و جنون. و با دیگر همپاله های اپورتونیست و رویزیونیست شان علیه جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) قرار گرفته و از این طریق به امپریالیسم و ارتجاع جهانی خدمت می کنند. "سا" و دیگر رفقای این حمله های خاینانه و فحاشیهای رذیلانه را علیه جنبش کمونیستی انقلابی به دو طریق انجام می دهند. یکی توسط گروه لومین و اوباش جاسوس و فحاش (موسوی و میرویس محمودی) تا نام و هویت و آدرس فعالین جنبش انقلابی را به استخبارات امپریالیستی و ارتجاعی افشا کنند و به سطح فرومایه ترین لومینها و اوباشها فحاشی کنند و دیگری از طریق سیاه کردن چند ورق پاره و تمسک به رهبران بزرگ پرولتاریای جهان و ذکر چند نقل و قول از آنها تا بدین وسیله عناصری خبر را اغوا کنند. اینست جوهر حقیقی اینها، یعنی رویزیونیسم اصلاح نا پذیر که سوگند خورده اند تا از هر طریق ممکن از جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) انتقام بگیرند.

«سازمان انقلابی» در صفحه سوم همین بخش چنین می نویسد: "... «شورشی» ها و «پولاد» به تریبون های ضد اشغال اهمیت قایل نیستند، آنان در صدد تقویت جبهه ضد امپریالیستی نیستند و راستی چرا باید باشند، وقتی وظیفه اصلی «مائونیستها» را مبارزه علیه «ستمگری پشتونها» و جنبش انقلابی افغانستان تشکیل بدهد!!»

گردانندگان «سا» دروغگوئی و اتهام زنی را به سرحد مفتضحانه ای آن رسانده اند. آقایان فقط در همین مورد دروغهای تان توجه کنید: زمانی که «سازمان رهائی»، یعنی شما در سالون کنفرانس "بن" بر سر مکانیزم تشکیل دولت دست نشانده امپریالیستهای اشغالگرو چگونگی تقسیم چوکیهای آن با باندهای ارتجاعی اسلامی، ملیشه های مزدور روسی، خلقی پرچمیها این همه گروه های خاین، جانی و قاتل مردم افغانستان و دیگر گروه های ارتجاعی خادم امپریالیسم منجمله حزب «افغان ملت» و مشتی تکنوکرات خود فروخته و استعمار زده مشغول چانه زنی بودید؛ تشکلات و افراد مختلف مربوط به جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) با دیگر گروه ها و افراد مترقی و آزادی خواه در بیرون عمارت محل "کنفرانس بن" اعتراضات شدید خود را علیه توطئه های خاینانه امپریالیستهای اشغالگرو تمام نیروها و گروه های خاین و وطن فروش که در این "کنفرانس" استعماری شرکت داشتند، اعلام کردند و تظاهرات برای انداختن و بر علیه اشغال نظامی و تسلط استعماری کشور توسط امپریالیستهای امریکائی و ناتو و علیه امضای معاهده ننگین و اسارت آور "بن" شعار می دادند. و برخلاف در همانجا هم اپورتونیستهای تسلیم طلب "ساما" و "رهائی" بادیگر همپاله های اپورتونیست و تسلیم طلب شان بر له اشغال کشور و تدویر کنفرانس اسارت آور "بن" گلوپاره می کردند که ما چهره های پلید این تسلیم طلبان و انقیاد پسندان را در همان روز افشا نمودیم. همین بخشهای مختلف مربوط به جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) بادیگراف افراد و گروه های مترقی و آزادی خواه به منظور پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی (در شرایط خاص افغانستان طی دوازده سال اخیر، اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیستها و حاکمیت دولت دست نشانده) تشکیل رابنم "جبهه متحد ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع" ایجاد کردند که ارگان نشراتی آن "7 اکتوبر" نام داشت. و همچنین از طریق تشکل های شان طی دوازده سال اخیر علیه امپریالیستهای اشغالگرو دولت مزدور آن در داخل و خارج کشور مبارزه کرده اند. و اینکه شما آنرا انکار می کنید، بخود شما مربوط است. و در اینجا ماهیت و مشخصات "جبهه ضد امپریالیستی" مورد نظر شما هم مشخص است که اعضای «مطمئن» و «انقلابی» آنها هم از پورتال جاسوسی و فحاشی "افغانستان- آزاد" برگزیده آید.

"سازمان انقلابی" اتهام می زند که وظیفه اصلی «مائونیستها» را مبارزه علیه «ستمگری پشتون ها» و «جنبش انقلابی افغانستان» تشکیل می دهد. در حالیکه هیچ گونه توضیحی در زمینه نداده و نه هم

مشخص می سازد که "مائوئیستها" علیه ستمگری کدام طبقات از پشتون ها "مبارزه" می کنند! زیرپشتونها یک ملیت هستند و این ملیت از طبقات تشکیل شده است، طبقات خلق و طبقات ضد خلق. و کمونیستهای انقلابی (م-ل-م) برای نجات توده های خلق همه ملیتهای کشور از شر حاکمیت و ستم و استثمار طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و قطع سلطه امپریالیسم و تشکیل دولت دموکراتیک خلق و ایجاد جامعه سوسیالیستی مبارزه می کنند. منشأ اصلی شئونیسیم و ستم ملی شئونیستی هم طبقات حاکم ملیت پشتون هستند. و توده های خلق ملیت پشتون از این شئونیسیم متأثراند. انواع ستمگری در جامعه ناشی از ستم طبقاتی و ستم ملی امپریالیستی است؛ زیرا ستم و استثمار از خصلت طبقات حاکم ارتجاعی و امپریالیسم است. و در برابر شئونیسیم عظمت طلبانه ملیت پشتون؛ ناسیونالیسم و تنگ نظری ملیتهای تحت ستم نیز وجود دارد که باید علیه آن مبارزه شود. محوستم ملی شئونیستی و هر نوع ستم و بی عدالتی در جامعه مربوط به پیشرفت و تکامل مبارزه طبقاتی انقلابی است. بعبارت دیگر منوط به حل تضاد اساسی جامعه است، یعنی با سرنگونی حاکمیت طبقاتی طبقات ارتجاعی استثمارگر و قطع سلطه امپریالیسم (در شرایط کنونی قطع تسلط استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و متحدین آن و سرنگونی دولت دست نشاندۀ آنها) و سرنگونی فئودالیسم و کمپرادوریزم و قطع کامل سلطه امپریالیسم از کشور بوسیله مبارزات انقلابی توده های خلق تحت رهبری یک حزب کمونیست انقلابی و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و تاسیس دولت دموکراتیک خلق تحت رهبری طبقه پرولتاریا و ایجاد دیکتاتوری پرولتاریا و تشکیل جامعه سوسیالیستی، از بین می روند. رفیق مائوتسه دون می گوید: ".... بدین جهت باید حتماً بین ملت خان(هان) و اقلیتهای ملی مناسبات حسنه حکمفرما باشد، کلید حل این مسایل رفع شئونیسیم عظمت طلبانه ملت خان است. در عین حال ناسیونالیسم محلی در آنجائیکه بین اقلیتهای ملی دیده می شود باید برطرف گردد. چه شئونیسیم عظمت طلبانه ملت خان، چه ناسیونالیسم محلی، هر دو در خلاف جهت وحدت ملیتها سیر می کنند. این یکی دیگر از تضادهای درون خلق است که باید بر آن فایق آمد...." (جلد پنجم آثار منتخب مائوتسه دون).

اما در این مورد باید تذکردهم که : نظر و موضع ما ("گروه پیکار برای نجات خلق افغانستان (م-ل-م)") درباره "ستم ملی شئونیستی" و چگونگی مبارزه علیه آن و "مسئله ملی" در کشور و راه حل مترقی آن کاملاً روشن است. در اینجا با جرئت می توانم بگویم که در طول دوران مبارزه ای مادر "سازمان پیکار برای نجات افغانستان"، "سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری)" و بعد از آن "گروه پیکار برای نجات خلق افغانستان (م-ل-م)" در این زمینه نظر و موضع اصولی داشته ایم. این مسایل در اسناد ما درج بوده و در جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) و دیگر جریانات مترقی کشور موجود اند و خوانندگان خاصاً نسل جدید از هواداران جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) و جنبش مترقی می توانند آنها را مطالعه نمایند. زیرارویزیونیستهای «سازمان انقلابی» و دیگر گروه های رویزیونیست و اپورتونیست همسخ آن وجود جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) را افغانستان انکار می کنند. و پذیرش حقیقت وجودی این جنبش برای انواع رویزیونیستها و اپورتونیستها مشکل است. و در تمام دوره های تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی؛ رویزیونیستها و اپورتونیستهای رنگارنگ سعی کرده اند تا حقیقت کمونیسم انقلابی را تحریف و کتمان کنند. چیزی که "سا" و همپاله هایش طی حدود چهاردهه انجام داده و اکنون با وقاحت تمام انجام می دهند. اما موضوعی که در این مورد قابل بحث جدی است که "سا" به این مسئله از دید طبقاتی نگاه نمی کند و ماراتهم به مبارزه علیه «ستمگری پشتون ها» می نماید. "سا" در اینجا بجای ملیت پشتون کلمه "پشتون ها" را بکار برده است و بین طبقات خلق و طبقات ضد خلق در ملیت پشتون تمایزی قابل نیست و از موجودیت ستم ملی شئونیستی در کشور انکار می نماید. همین دید و موضع ناشی از منجلاب رویزیونیسم «سا» است. چنانکه طبقات ارتجاعی حاکم ملیت پشتون همواره پدیده "ستم ملی شئونیستی" را انکار کرده و "مسئله ملی" را در کشور قبول ندارند. همچنین در اراجیفنامه و فحشنامه های که "سا" و همپاله هایش برای میرویس محمودی دیکته می کنند سرپادارای افکار و نظرات ارتجاعی نژادپرستانه و شئونیستی اند، که بیانگر باتلاق رویزیونیسم و اپورتونیسم آنهاست. اما در مورد اینکه «سا» می گوید که «وظیفه اصلی "مائوئیستها" مبارزه علیه جنبش انقلابی افغانستان است»: چنانکه قبلاً هم تذکر دادم از آنجاییکه قماشهای مختلف رویزیونیستها و اپورتونیستها حقیقت

وجودی جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) را انکار می کنند و رویزیونیسم و اپورتونیسیم خود را «انقلاب» جامی زنند. در اینجا "سا" با کمال پروئی "جمع" رویزیونیست و اپورتونیسیت و تسلیم طلب خود را «جنبش انقلابی افغانستان» می خواند. این از خصوصیات و خصایل همه همه انواع رویزیونیسم و اپورتونیسیم در طول تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی بوده است و در آینده نیز خواهد بود. و تا زمانی که طبقات و جوامع طبقاتی وجود داشته باشند مبارزه کمونیستهای انقلابی علیه انواع رویزیونیسم (کمونیسم دروغین) ادامه خواهد داشت.

"سازمان انقلابی" در صفحه سوم بخش (5) می نویسد: "... به آقای «پولاد» باید گفت که تا هنوز ندیده ایم که رفیق عزیز ما «موسوی» علیه جنبش انقلابی افغانستان تخریبکاری و توطئه گری کرده باشد...".

آقایان! ما هم از شما چنین انتظاری نداشته و نداریم که تخریبکاریها و توطئه گریها و فحاشیها و جاسوسیهای خاینانه موسوی و میرویس محمودی را علیه جنبش انقلابی پرولتری و فعالین آنرا به پذیرید. بلی! رفیق عزیز شما موسوی و دیگر همپاله اش میرویس محمودی هیچگاهی علیه رویزیونیسم و اپورتونیسیم در افغانستان و در سطح جهان تخریبکاری و توطئه گری و فحاشی نکرده و نمی کند. در کجای تاریخ رویزیونیستها و اپورتونیستها به رویزیونیسم و اپورتونیسیم خود اذعان کرده اند که شما اذعان کنید! شما مسخرگی برای انداخته اید و هر چه بیشتر خود را مفتح می کنید. و این مورد دیگری در ثبوت رویزیونیسم و اپورتونیسیم شماست. در حالیکه این موضوع برای عادی ترین افراد هم قابل درک و فهم است.

"سا" می نویسد: "... و از چیزی که شما بنام جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) کشور» صحبت می کنید، با تأسف نه تنها ما، بلکه تعداد زیادی از شعله ای ها از موجودیت آن در داخل خبر ندارند و اگر منظور خودتان، «مائونیست ها»، «حزب» و «کارگران» باشند، در این صورت جعلکاری می کنید، چون اینها مربوط به کشور نیستند و در غرب لمیده اند...».

در این پراگراف چند مورد قابل مکت وجود دارند: آقایان! 1- این یک تصادف نیکی است که شما و همسخان شما از نام و هویت فعالین جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) بی اطلاع هستید و یا آنها را نمی شناسید؛ ورنه مانند رفیق عزیزتان موسوی و میرویس محمودی این جاسوسهای حرفه ای بر اساس وظیفه "مقدس" شان آنها را به استخبارات دولت مزدور و امپریالیستهای اشغالگرو گروه های ارتجاعی اسلامی و خلقی پرچمیها معرفی می کردید. 2- برخلاف موارد قبلی در این نوشته ای تان که چندین بار از حقیقت وجودی جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) در افغانستان انکار کرده اید؛ ولی در اینجا از گفته ای شما چنین استنباط می شود که شما و تعداد زیادی از شعله ایها در افغانستان از وجود جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) خبر ندارید و می گوئید که اینها مربوط به کشور نیستند. باین عبارت که جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) که ما از آن صحبت می کنیم، بقول شما در افغانستان فعالیت ندارد که به نحوی به موجودیت آن در خارج کشور اذعان می کنید! اما نا بخردانه مرا به "جعلکاری" متهم می کنید، در حالیکه چه این جنبش بزرگ و چه کوچک، من حقیقتی را بیان کرده ام؛ ولی شما هم دروغ می گوئید و هم کتمان حقیقت می نمائید. 3- شما مدعی هستید که جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) که من از آن صحبت دارم در داخل کشور حضور ندارد و بزعم شما مربوط به کشور نیست و به این صورت "جنبش ملی" محسوب نمی شود! در اینجا آشفته فکری شما بوضوح آشکار می شود. 4- آن عده از شعله ایهای که بنا به ادعای شما از وجود جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) در افغانستان بی اطلاع هستند؛ اینها حتماً باید از همفکران شما باشند و در انکار موجودیت جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) در کشور با شما هم عقیده و هم نظر اند. ورنه شعله ایهای که حتی در سطح فکری دهه چهل خورشیدی هم باقیمانده باشند؛ به هیچ صورت از وجود جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) انکار نمی کنند. زیرا هر شعله ای که امروز در کشور زندگی می کند و یا در کشورهای خارج کم از کم بالاتر از (50) سال سن دارد. ولو که فعالیت سیاسی هم نداشته و یا ندارد؛ ممکن نیست که از وجود جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) ولو کوچک چه در داخل کشور و چه و در خارج کشوری اطلاع باشد. باز هم تکرار می کنم؛ مگر آن عده از شعله ایهای هم قماش شما.

5- کمونیستهای واقعاً انقلابی که در داخل کشور زندگی می کنند؛ بدون شک فعالیتهای مبارزاتی شان را با رعایت شدید اصل مخفیکاری و فن مبارزه با پولیس سیاسی دولت مزدور و امپریالیستهای اشغالگرمریکائی و ناتو و دولتهای ارتجاعی منطقه و سرویسهای جاسوسی کشورهای مختلف که

د افغانستان فعالیت دارند، انجام می دهند. همچنین سعی می کنند تا هویت و آدرس آنها توسط گروه های رویزیونیستی و اپورتونیستی مختلف که در داخل کشور زندگی می کنند، افشا نشود. زیرا خطر گروه های رویزیونیستی و اپورتونیستی ضد انقلاب در مواردی خیلی بیشتر از خطر پولیس مخفی دولت مزدور و گروه های ارتجاعی اسلامی سفاک و باندهای جنایتکار و قاتل خلقی پرچمیها و سازائیهاست. زیرا گروه های مختلف رویزیونیستی و اپورتونیستی منجمله "سازمان رهائی"، "ساا"، "ساما" (خاصاً "ساما- دهندگان") و دیگر گروه های رویزیونیستی از جمله دشمنان نقابدار جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) کشور هستند. و فعالین جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) حتی الوسع می کوشند تا توسط اعضای گروه های مختلف رویزیونیستی متذکره فوق شناسائی نشوند. زمانی موسوی (از گردانندگان "ساما"- ادامه دهندگان) و رفیق عزیز "سازمان انقلابی" و همپاله "ساما"ئی دیگرش (میرویس محمودی) در کشورهای غربی علیه فعالین جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) جاسوسی می کنند و نام و هویت و آدرس آنها را برای استخبارات کشورهای امپریالیستی و دولتها و گروه ها ارتجاعی معرفی می نمایند؛ بدون شک این گروه های رویزیونیستی در داخل کشور در سطح گسترده تر علیه فعالین جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) جاسوسی خواهند کرد. چون قماشهای مختلف رویزیونیستها و اپورتونیستها و تسلیم طلبان از دشمنان درونی خطرناک جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) به شمار می روند؛ لذا فعالین جنبش انقلابی پرولتری (م-ل-م) باید در برابر خطر آنها بسیار هوشیار و بیدار باشند.

ادامه دارد.....

6 جون سال 2013

(پولاد)